

درباره جمعیت چه باید کرد؟

عباس عبدي

روز گذشته درباره ابعاد آماری مساله جمعیت در ایران نوشتم، اکنون به جمع‌بندی و آرایه رویکردی برای حل این مساله می‌پردازم. نرخ رشد جمعیت در حال حاضر کم نیست، خیلی هم خوب است، اگرچه در این ۴ سال رو به کاهش نهاده ولی کماکان قابل قبول است. آنچه که موجب نگرانی است این است که این روند کاهش با همین وضع ادامه پیدا کند، ولی مشاهده می‌شود که روند کاهش زاد و ولد تا حدی متوقف شده و در ۱۴۰۰ نسبت به سال پیش از آن کاهش محسوسی نداشته است. هر چند در جزییات نکات منفی وجود دارد، زیرا به سهم زایمان‌های پرخطر که در زنان ۳۵ و به ویژه ۴۰ سال به بالا هست افزوده شده است و این مطلوب جمعیت نیست.

در اینجا ما با چند مساله مواجه خواهیم بود؛ اول کاهش زاد و ولد، دوم افزایش مرگ و میر و سوم روند مهاجرت نیروهای با کیفیت از کشور و آخري که مساله اساسي‌تري است، علت بروز این فرآیند است. در هر سه مورد و به طور مشخص و در درجه اول برای کاهش مرگ و میر و مهاجرت باید برنامه داشت و اتفاقا باید به ریشه‌های آنها پرداخت. اجازه دهید برای فهم بهتر ماجرا مثالی بزنم. فرض کنید که يك نفر به علت بیماری سرطان در حال از دست دادن وزن خود است. يك رویکرد ساده‌لوحانه که نمی‌داند علت کاهش وزن چیست یا می‌داند ولی نمی‌خواهد به این علت اقرار نماید، توصیه به افزایش تغذیه می‌کند. شاید با زیاد خوردن، قدری از این کاهش وزن جبران شود، ولی مساله اصلی وجود آن سرطان پیش‌رونده است که دیر یا زود بیمار را از پای می‌اندازد. کاهش وزن معلول سرطان است و به خودی خود مساله اصلی نیست. کاهش وزن اتفاقا نعمت است، زیرا شاهد خوبی از وجود بیماری خطرناک است. پس يك فرد آگاه، فقط برای درمان سرطان خود اقدام خواهد کرد که اگر درمان شود مشکل کاهش وزن هم رفع می‌شود. در مورد کاهش رشد جمعیت، مساله اصلی بحران اقتصاد و معیشت است. با وصله‌پینه‌هایی چون طرح خانواده و فرزندآوری، هیچ مشکلی حل نخواهد شد. اثرات آن کم و کوتاه‌مدت است، مثل زیاد خوردن فرد سرطانی برای مقابله با کاهش وزن است. نویسندگان این قانون درکی از ماجرای کاهش رشد جمعیت در ایران ندارند. البته من با روند کاهش

فرزندآوری مخالفتی ندارم به شرطی که در يك فرآیند طبیعی رخ دهد و نه اینکه ناشی از يك بیماری مزمن اقتصادی باشد. همچنان که برخی افراد با کم خوردن وزن خود را بسیار کم می‌کنند، ولی این انتخاب آنان است و ربطی به بیماری سرطان ندارد.

تنها راه ممکن اتخاذ يك رویکرد و سیاست سازنده هم در داخل و هم در خارج و هم در اقتصاد است، به طوری که امید به آینده را زنده کند و وضعیت اقتصادی مردم و اشتغال را بهبود بخشد. انسان مثل تمام موجودات دیگر برحسب غریزه صیانت ذات، از آغاز پیدایش مشغول فرزندآوری است، چندان نیازی نیست که بگوییم چه کنید و چه نکنید. اگر اقتصاد و اشتغال و امید به آینده بهبود پیدا کند، دولت می‌تواند با افزایش خدمات بهداشت و درمان و آموزش، خیال مردم را از آینده فرزندشان راحت نماید، در این صورت زودتر ازدواج می‌کنند و خیلی سریع‌تر از آنچه که فکر می‌کنید فرزند می‌آورند. کافی است در فضای مجازی نگاه کنید یکی از لذت‌بخش‌ترین لحظاتی که افراد توصیف می‌کنند، اضافه شدن يك کودک به جمع خانواده است. نکته بسیار مهم‌تر این است که با توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور کاهش زاد و ولد امری طبیعی است نمونه آن تعداد اندک فرزندان برخی مسوولان جوان‌تر یا فرزندان مسوولان سالخورده است. آنچه که باید برنامه‌ریزی شود در درجه اول برای کاهش مرگ و میر و مهاجرت است. در حقیقت مشکل اصلی ما در جایی است که شاهد رخدادی خلاف روند توسعه هستیم و برای اصلاح این روند فکری نمی‌شود. هم‌اکنون اقدام برای کاهش مرگ و میرها و از کارافتادگی‌های ناشی از تصادفات رانندگی و نیز فقر و دگرگشی و نزاع و حوادث کار و سوانح طبیعی و... بسیار مهم‌تر است تا برنامه‌ریزی برای افزایش فرزندآوری؛ کاش برای افزایش فرزندآوری هم درست اقدام می‌کردند و نه مثل مصوبه قانونی و ناکارآمد اخیر.

منبع: روزنامه اعتماد 22 فروردین 1401 خورشیدی